شهرآرا
روزنامه شهرامید وزندگی
SHAHRARANEWS.IR
اشنبه
۰۱ دی ۱۳۹۸
۲۵ربیع الثانی۱۴۴۱
شماره ۳۰۰۰
۰۲

تریبون شهر

الو شهرآرا...

انتقاد از پارک خودروهای سنگین در خیابان شهید رستمی

اینجا تریبونی برای بیان نظرات، انتقادات، مشکلات و درخواست‌های شما شهروندان است و می‌توانید از روش‌های زیر، مطالبتان را با ما در میان بگذارید.

اینستاگرام: @shahraranews
تارنما: shahraranews.ir
رایانامه: info@shahrara.com
پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹ پیام رسان: ۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰
مراجعه حضوری تلفن: ۵-۳۷۲۸۸۸۸۱-۰۵۱
شهروندان گرامی! با هدف پیگیری دقیق و سریع مسائل مطرح شده، لطفا آدرس و اطلاعات کاملی در اختیار ما قرار دهید.

شهرداری

شهروند - شهرآرای عزیز واقعا خسته شدیم. در انتهای بولوار شهید رستمی ۲ و خیابان رستمی ۳۵,۲ شبانه‌روز، به ویژه شب‌ها از ساعت ۷، ۸ به بعد، خودروهای سنگین پارک می‌کنند. بیشتر آن‌ها در حالت پارک هم روشن هستند. از دود گازوئیل در امان نیستیم و حتی صبح‌ها از غلظت دود بیدار می‌شویم. در کل چون خیابان رستمی ۳۵,۲ خلوت است، به پارکینگ ماشین‌های سنگین تبدیل شده است. به پلیس راهور هم که زنگ می‌زنیم، اصلا تلفن را جواب نمی‌دهند. یک پارکینگ نزدیک هم نرسیده به میدان بار رضوی هست. چرا آنجا نمی‌روند؟ هرچه هم که تذکر داده‌ایم نتیجه‌ای نگرفته‌ایم.

۰۹۱۵...۸۹۴ شهردار منطقه ۱۲، چرا سگ‌های ولگرد منطقه الهیه جمع‌آوری نمی‌شوند، تعدادشان از اهالی منطقه بیشتر شده است و برای کودکان در راه مدرسه وحشت ایجاد می‌کنند. بچه‌ها از ترس به مدرسه نمی‌روند.

۰۹۱۵...۷۹۷ هنوز چندی از آسفالت خیابان ساجدی ۷ نگذشته است که ابتدای آن را رد انداخته‌اند تا حفاری کنند. جالب این است که این حفاری توسط خود شهرداری و برای کار گذاشتن لوله آبیاری فضای سبز انجام می‌شود. چرا قبل از روکش آسفالت این کار انجام نشده است؟

شرکت نفت

۰۹۳۶...۱۰۶ به عنوان یک شهروند از زحمات و خدمات کارکنان شرکت نفت صمیمانه سپاسگزارم که در کمترین بازه زمانی مشکل کارت سوخت من و تعداد زیادی از مراجعان حل شد. همچنین از برخورد بسیار مناسب آن‌ها قدردانی می‌کنم. شهروند منطقه ۶.

آب و فاضلاب

۰۹۳۷...۰۸۲ انتهای خیابان مطهری، مقابل مطهری ۷۲ دور دریچه فاضلاب ریزش کرده است و هر لحظه احتمال سقوط وجود دارد. لطفا این موضوع را پیگیری کنید.

فرودگاه

۰۹۰۱...۰۵۵ لطفا درباره حضور چند قلاده سگ ولگرد روی باند فرودگاه مشهد (چهارشنبه هفته گذشته، ساعت ۶:۵۰ صبح) به مسئول مربوط در این مجموعه هشدار دهید. علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد تا خدای نکرده مشکلی پیش نیاید.

دولت

شهروند - لطفا مشخص کنید در دوره مدیریت جناب همتی تا به این لحظه مداخله ارزی چقدر بوده است؟ در دوره مدیریت جناب سیف تحریم‌ها نزدیک به ۳۰ میلیارد دلار بوده است، با این حال کمترین مداخله را نسبت به شرایط جامعه داشته‌اند. چرا؟

اتوبوس‌رانی

شهروند - بنده حقیر چندین سال تجربه جایگاه شبکه‌های حمل‌ونقل عمومی را در کشورهای مختلف دارم. نظافت و نبود استانداردی مشخص در نماهای داخلی اتوبوس‌های داخل شهر مشهد پذیرفتنی نیست، به گونه‌ای که به هیچ‌وجه شأن شهروندان در آن‌ها دیده نمی‌شود.

سازمان ثبت اسناد

۰۹۱۵...۱۰۰ حدود ۲۰ سال از احداث مجتمع مسکونی هماکار واقع در الهیه قاسم‌آباد می‌گذرد. سازمان ثبت اسناد مشهد متأسفانه هنوز اسناد مالکیت آپارتمان‌ها را تحویل ما مالکان نداده است. باوجود اینکه سامانه‌های پیشرفته الکترونیکی در فرایند صدور اسناد املاک وجود دارند، آیا این تأخیر طولانی مدت منطقی و توجیه‌پذیر است؟ تقاضا می‌شود یک گزارش میدانی در این زمینه تهیه فرمایید. شاید صدای مطالبه قانونی ما بگوش مسئولان برسد.

متفرقه

۰۹۳۵...۷۵۸ در خانه که هستیم آرامش بیشتری داریم. خدا نکند بیرون برویم، روح و روان آدم از سروصداهای ناهنجار، بوق‌های ممتد در ترافیک، غرش صدای هواپیما، صدای اتوبوس‌ها و ویراژ موتورسواران آزرده می‌شود.

جوابیه

ارسال اخطار برای شهروند متخلف

۱۴آبان در ستون «الو شهرآرا» پیامکی چاپ شد در زمینه احداث چاه در شهرک طرق توسط عوامل شهرداری و نیز مشکلاتی که یکی از شهروندان با ریختن فاضلاب خانگی خود در آن ایجاد کرده است. شهرداری منطقه ۷ با ارسال جوابیه‌ای به این دغدغه شهروند پاسخ گفته است:

اکنون اخطاریه برای شهروند تنظیم و به وسیله اجرائیات منطقه ابلاغ شده است. بعد از اتمام مهلت مقرر درصورتی که اقدامی از طریق شهروند صورت نگیرد شهرداری فاضلاب نام‌برده را از چاه آب‌های سطحی قطع خواهد کرد.

از نفس افتاده

پس از سال‌ها پیگیری، همچنان تعدادی از کارخانه های صنعتی جاده کلات و سیمان بدون ضابطه فعالیت می‌کنند

مریم قاسمی | چندسالی است مسئله آلاینده‌های زیست‌محیطی چندین کارخانه در جاده کلات و سیمان به وسیله رسانه‌ها مطرح و پیگیری شده است و هر بار مسئولان مختلف با تائید مشکلات موجود وعده‌هایی داده‌اند. نزدیک بودن تعدادی از این واحدهای تولیدی (کارخانه ایزوگام، کارخانه آسفالت و کشتارگاه انفرادی) به دورترین محدوده شهری در منطقه ۳، یعنی مهرگان، نیز تاحدی مورد توجه قرار گرفته است اما آنچه در آخرین بازدیدمان ازاین محدوده به عنوان مهم‌ترین مسئله مطرح می‌شود مشکلات شدید تنفسی است که بخش زیادی از ساکنان را درگیر و مصرف داروهای تنفسی را جزو وعده‌های ثابت روزانه آن‌ها کرده است. به همین بهانه بار دیگر موضوع الاینده‌های زیست‌محیطی و آخرین اقدامات مسئولان محیط‌زیست را بررسی می‌کنیم.

شب‌های دودآلود مهرگان

شب‌های زیادی دود کارخانه ایزوگام، چون ابر سیاهی، مهرگان را می‌بلعد. دود هیولایی منعطف و نامرئی است که از هر روزنه‌ای وارد خانه، اتاق و مجاری تنفسی مردم می‌شود، کابوسی تکراری اما تمام‌نشدنی که خیلی وقت‌ها مردم را بی‌خواب می‌کند. برای همین است که اهالی مهرگان سال‌هاست خواب آرام ندارند. آن‌ها زمانی که ساکن این محله خوش‌آب‌وهوا شدند، نمی‌دانستند فقط روزها هوا خوب است و شب‌های مهرگان دنیایی سیاه است، دنیایی پر از دود و بوی زننده. همان ساعتی به مهرگان می‌رسیم که از ما خواسته بودند آنجا باشیم. گفته بودند ۹ به بعد بیایید که خودتان از نزدیک شرایط را ببینید. وارد خانه که می‌شویم، بیشتر از ۱۰ نفر از اهالی گرد هم آمده‌اند تا جادوی کارخانه ایزوگام را نشان ما دهند که از آن طرف شهر آمده‌ایم و از «آخر دنیا»ی آن‌ها چیزی نمی‌دانیم. صاحب خانه بلند می‌شود و پنجره را باز می‌کند. چند دقیقه‌ای نمی‌گذرد که جادو شروع می‌شود. در چشم به هم‌زدنی هوای خوب و ظاهرا پاک مهرگان پر از دود می‌شود. دود انگار که وزن دارد. وقتی وارد ریه‌هایمان می‌شود سنگینی‌اش را احساس می‌کنیم. یکی از مردهای محله دستمال سفید نخی‌اش را از توی جیب بیرون می‌کشد و تای آن را باز می‌کند. می‌گوید: ۵ سال پیش که بالاخره مسکن مهر را تحویل گرفتیم و ساکن مهرگان شدیم، فکر کردیم مسئله حل می‌شود. فهمیدیم مشکل کار کجاست، اینکه کارخانه‌های ایزوگام که در جاده کلات ردیف شده‌اند به اضافه کارخانه سیمان شهرداری از فیلتر استفاده نمی‌کنند. ۲ احتمال دادیم اینکه گذاشتن فیلتر برای کارخانه خرج دارد، یا فیلترها خارجی هستند و در تحریم‌ها گیر افتاده‌اند. اما به نظر احتمال اول قوی‌تر است. مگر فیلتر چیزی است که تحریم شود؟ نمی‌دانم چطور می‌توانند به راحتی نفس بکشند، وقتی می‌گذارند مردم در دود خفه شوند، فقط برای اینکه هزینه نکنند؟ صدای یکی از زن‌های محله از آن طرف اتاق و از ردیف خانم‌هایی بلند می‌شود که هرکدام یک دنیا حرف برای گفتن آماده کرده‌اند و چون بمب‌هایی آماده انفجار کنار هم قرار گرفته‌اند. «اینجا خانه داریم اما بیشتر روزها ناچاریم به خانه‌اقوام در یکی از روستاهای اطراف برویم تا از دود در امان بمانیم.» این حرف مردی را که زیر طاقی آشپزخانه نشسته است بلند می‌کند: ما که خانه و باغ بیرون شهر نداریم چه کنیم؟ باید تابستان و زمستان همین جا بمانیم و دود بخوریم.

یکی از زن‌های محله از آن طرف دستش را بالا می‌آورد و می‌گوید: تابستان نمی‌توانیم کولر روشن کنیم و ناچاریم علاوه بر دود، گرما را هم تحمل کنیم، چون کولر هوای پر دود بیرون را به داخل می‌آورد. مرد میان‌سالی که پایین اتاق نشسته است تا می‌خواهد حرف بزند سرفه‌اش می‌گیرد. سرفه، سرفه و سرفه، آن‌قدر که صورتش کبود می‌شود و در خود می‌پیچد.

خانه‌های پر از قرص و دارو

از شدت سرفه صورتش سرخ و رگ‌های ریز چشمانش پرخون شده است و با هر سرفه لایه اشک در چشمانش ضخیم‌تر می‌شود. سر و گردنش لابه‌لای دست‌هایی که به کمکش آمده‌اند گم شده است و تا وقتی که اسپری ضدحساسیت آبی‌رنگ پیدا می‌شود و توی دهانش اسپری می‌شود، آرام نمی‌گیرد. نفس‌های بعد از اسپری زدن هم بلند و عمیق است. به پشتی تکیه می‌دهد و می‌گذارد درون ملتهبش آرام بگیرد. همسرش با سبد دارو کنارش می‌نشیند. از اینکه سبد داروهایش را این طرف و آن طرف می‌گذارد و موقع حمله آسم اسپری را نمی‌یابد عصبانی است. اما مرد می‌داند عصبانیت زن، از او نیست، از دود غلیظ کارخانه‌هایی است که آن‌ها را احاطه کرده‌اند. جسم نیمه‌جانش کم‌کم جان می‌گیرد. دست را مثل پرنده‌ای که تندتند بال می‌زند تکان می‌دهد. زن با یک لیوان آب کنارش می‌نشیند و یک قرص سالبتامون کف دست مرد می‌گذارد. صدای زن خیلی آرام است و انگار از قعر زمین بلند می‌شود و چون نجوایی غریب میان سرفه‌های مردش راه می‌رود: از قدیم آسم داشت اما آن‌قدر نبود که بگویم مریض است اما در این ۵ سالی که به مهرگان آمده‌ایم واقعا مریض شده است. روزی نیست که چون جنون گرفته‌ها از شدت حمله آسم به خود نپیچد و بعد هم چون جسدی نیمه جان گوشه خانه نیفتد. شب‌ها که دود راه می‌افتد، بدتر. برای چندمین بار داروها را توی سبد، کنار هم می‌چیند، پازلی که هر روز بارها و بارها آن را درست می‌کند و به‌هم می‌ریزد. همه قرص‌ها را می‌شناسد. می‌داند سالبتامون چه شکلی نوشته می‌شود. حتی می‌تواند آن را از روی نسخه دکتر هم بخواند. می‌گوید توی خانه همسایه‌هایش هم از این قرص‌ها و داروها زیاد است. چادر سر می‌کند و در خانه تک‌تک همسایه‌هایش را می‌زند. داخل خانه‌ها می‌رویم، سبدهای دارو روی پیشخوان آشپزخانه، روی میز عسلی جلو مبل‌ها و داخل قفسه‌های یخچال قرار دارند. یکی از کارکنان مرکز بهداشت مهرگان که جمعیت پنج‌هزارنفری را زیر نظر دارد، می‌گوید: بر اساس آمار حدودی‌ای که خودش از جمعیت می‌تواند ارائه دهد، از هر ۸ نفر ۴ نفر در مهرگان دچار بیماری‌های تنفسی و آلرژی هستند. به گفته اکبرزاده این افراد یا از ابتدا زمینه بیماری را داشته‌اند که در شرایط محیطی مهرگان تشدید شده است، یا اینکه همین جا دچار آلرژی‌های تنفسی شده‌اند.

سوزاندن دل و روده پرنده‌ها چه بویی می‌دهد؟

«می‌دانید سوختن سروکله و روده‌ها و پر مرغ چه بویی می‌دهد؟» نفسش که جا می‌آید، این را می‌گوید. تعجب می‌کنیم. یعنی این همه راه را دویده است که این را از ما بپرسد؟ این موضوع مهمی است که از قلم افتاده است! دستش را روی در ماشین می‌گذارد تا سوار نشویم. آن‌طور که او می‌گوید ظاهرا فقط کارخانه‌های اطراف نیستند که با مشکلات زیست‌محیطی‌شان برای ساکنان مشکل ایجاد کرده‌اند. کشتارگاه انفرادی هم به نوعی اهالی را عاصی کرده است. چهره‌اش را که در هم می‌کشد صورتک غمگینی می‌شود که همه‌جا به عنوان نماد گریه آن را می‌بینیم. «نمی‌توانم بگویم چه بویی دارد، خیلی بد، جوری که دوست دارم بمیرم و دیگر این بو را تحمل نکنم. نه می‌توانم مهمان به خانه دعوت کنم و نه خودم زندگی دارم. هر وقت که بو بلند می‌شود، دخترم می‌رود داخل اتاقش و خودش را زندانی می‌کند.

او ادامه می‌دهد که از گذشته ۲ کشتارگاه مرغ و طیور در این حوالی وجود داشته است که از سال گذشته کارخانه «مرغ طیوران» به‌خاطر مشکلاتش تعطیل می‌شود اما کشتارگاه انفرادی همچنان فعالیت دارد و این فعالیت گاه بوی بسیار زننده‌ای را در محل ایجاد می‌کند. مشکل مربوط به بخشی از کشتارگاه است که لاشه‌ها و امعا و احشای پرندگان را برای تبدیل کردن به کود یا خوراک دیگر جانوران پرورشی می‌سوزاند، می‌گوید: چندبار پی این ماجرا را گرفتم که گفتند کشتارگاه باید فیلتر استفاده کند تا بو در محل نپیچد. نمی‌دانم این‌ها با این همه درآمد چطور نمی‌توانند یک فیلتر بگذارند؟ چهره‌اش شبیه التماس کودکی برای تنبیه نشدن است، وقتی می‌گوید: بوی سوختن گوشت، چربی و پر مرغ می‌دهد ولی در اصل جان ما را می‌سوزاند.

تورج همتی، مدیر کل حفاظت محیط زیست:

باید برخوردهایمان را بیشتر کنیم

مهرگان جزو مناطق ویژه ما از نظر مسائل زیست محیطی است. کارشناسان ما به طور مستمر از کارخانه‌های جاده کلات و سیمان بازدید می‌کنند و بیشتر وقت‌ها بازدید شبانه دارند. حدود ۱۷ مورد هم سیستم‌هایشان را اصلاح کرده‌اند اما سال گذشته ۷ واحد را تعطیل کردیم و آن‌ها مکلف شدند اصلاحات را انجام دهند. با وجود این قبول دارم همچنان مشکل وجود دارد.

در این چند سال اخیر بازدیدهای مستمر گذاشتیم و مشکلات را به مقام قضایی گزارش دادیم. همین گزارش‌ها بود که سال گذشته منجر به برگزاری جلساتی با معاونت پیشگیری از وقوع جرم و معاونت امور اجتماعی دادستانی شد. بر اساس این جلسات مقرر شد به این کارخانه‌ها فرصتی برای نصب سیستم‌های فیلتراسیون و کنترل آلاینده‌های محیط زیستی داده شود. تعداد زیادی از این واحدهای تولیدی سیستم‌های کنترل آلاینده‌ها را نصب کرده‌اند اما تعداد اندکی هنوز این الزامات را رعایت نکرده‌اند.

در فاز بعدی اقدامات از واحدهایی که الزامات را رعایت کرده‌اند خواسته‌ایم در استفاده از این سیستم‌ها مداومت داشته باشند تا آلاینده‌های هوا کنترل شود و در هوای محدوده اطراف تخلیه نشود، به ویژه در شب‌ها که هوا ساکن است. از ابتدای امسال هم بازدیدهای کنترلی به ویژه شب‌هنگام گذاشته‌ایم و به واحدهای متخلف تذکراتی داده‌ایم. در دور دوم بازرسی نیز که در ۲ هفته اخیر صورت پذیرفته است پس از بازدید ۲۵ واحد تولیدی ۸ واحد متخلف را به واحد حقوقی‌مان معرفی کرده‌ایم تا از مرجع قضایی پیگیری شود. هیچ توجیهی برای واحدهای متخلف وجود ندارد. آن‌ها با وجود اینکه می‌دانند استفاده از سیستم‌های فیلتراسیون برایشان بهره اقتصادی دارد و می‌توانند مواد هیدروکربنی را در تانک ذخیره کنند -که در نهایت برایشان ارزش افزوده دارد- از رعایت الزامات فرار می‌کنند. با این حال انتقال کارخانه‌ها را در برنامه نداریم، برنامه اصلی این است که کارخانه‌ها الزامات ما را رعایت کنند و ما هم برخوردهایمان بیشتر شود. همین حالا پرونده واحدهای متخلف در دستگاه قضایی باز است. حتی این واحدها در گذشته از مواد بازیافتی استفاده می‌کردند که با آن‌ها برخورد کردیم و اداره استاندارد را پای کار آوردیم، چون برخی معضلات زیست‌محیطی به این موضوع مربوط است، به نظرم اداره استاندارد باید خیلی بیشتر درگیر شود، برای کالایی که تحویل جامعه می‌شود. درباره بوی بد کشتارگاه انفرادی نیز شکایت‌هایی داشتیم که در ۲ سال گذشته، اکیپ‌های مختلف بهداشت و کارشناسان استانداری در بازدیدها همراهی کردند. به جز معدود بازدیدهایی که سیستم‌شان نقص داشت آن بوی آزاردهنده احساس نشد، با این حال مقرر کردیم اگر کارشناسان بهداشت چنین مسئله‌ای را گزارش کردند برخورد شود. در مواردی که شکایت شده بود کشتارگاه انفرادی نقص فنی داشت، به گونه‌ای که سیستم بوسوز آن به مشکل خورده بود و نتیجه آن بوی بسیار بد ناشی از سوزاندن ضایعات پرندگان برای پخت خوراک دام بود که البته تغییراتی ایجاد کرد.

علیرضا جمیع، مدیر کل استاندارد خراسان رضوی:

مسئله‌ای مرتبط با اداره استاندارد وجود ندارد

تمام مشکلات محیط زیستی کارخانه‌های جاده کلات و سیمان به اداره محیط زیست مربوط می‌شود و اداره استاندارد خروجی کالای تولیدشده را بررسی می‌کند، نه خروج گازها و فاضلاب و غیره را. در واقع به نظر نمی‌رسد این موضوعات روی کیفیت کالاها تأثیرگذار باشد و اکنون نیز مسئله‌ای مرتبط با ما در این زمینه وجود ندارد.